

## علایم، نمادها و نشانه های دوره آرامنه و اورارتو در آذربایجان غربی

علی بیننده<sup>۱</sup>، رضا محمدزاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناس ارشد باستان شناسی دانشگاه مارلیک نوشهر، مازندران

### چکیده

در این مقاله مفاهیم علایم و سمبل‌ها در هنر باستان بررسی و سپس تاثیر نمادها و علایم اورارتوها بر نمادها و علایم آرامنه بیان شده است. روش تحقیق تحلیلی- تطبیقی و به روش میدانی و در صورت لزوم کتابخانه‌ای بوده و برای این منظور تصاویر موجود بر روی صخره‌ها، سنگ‌قبرها، واشیای مکشوفه مربوط به این دوران در سطح استان جمع‌آوری و بعد از بررسی و تحلیل کاربرد، مفاهیم و تاثیر آنها در هنرهای دوران دیگر بیان گردیده است. نماد، در واقع همان سمبل است و بیشتر به‌عنوان یادبود، تابلوی اعلانات و اقتدار ملی برای عصرهای بعدی بوده است و در اصطلاح عامیانه با نشانه و علامت که یک امر قراردادی است تفاوت چندانی ندارد ولی از لحاظ علمی، مفاهیم و کاربردهای آن با همدیگر تفاوت دارند. بعضی از نمادها مانند آفتاب و قوچ در دوره‌ی اورارتوها به‌عنوان محافظان معابد و حتی صورتی از خدایان در دنیای باستان مورد توجه بوده است. بعضی از سمبل‌ها و نشانه‌ها مانند صلیب در دوره آرامنه به‌عنوان عامل موثر در ظهور این دوران در نشان قبور، نقوش تزیینی کتیبه‌ها و کلیساها و در کل نماد یک مکان مقدس بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد آن چه مسلم است، علایم و نمادهای این اقوام باز نمود باورهای اساطیری و قومی، آداب و رسوم، مذهبی و به‌طور کلی تاثیری از نمادها و نشانه‌های اورارتوها و انتقال، حفظ و تداوم بر نمادهای آرامنه با توجه به کاربرد و نیازهای فرهنگی بوده است.

واژه‌های کلیدی: ماد، علامت، آرامنه، اورارتو، باستان.

## مقدمه

علائم و نشانه‌ها از زمان‌های بسیار دور در قالب یک اثر هنری و نیز برای بیان عقاید از آن جمله مذهبی و اقتصادی ملت‌ها و حاکمان در هر دوره، جلوه خاصی را در طول تاریخ نمایان ساخته است.

این مقاله، در زمینه نشانه‌ها و سمبل‌های دوران ارامنه و اورارتوها در آذربایجان غربی و بیشتر از همه در مناطق شمالی استان (از شهرستان‌های ماکو تا ارومیه و اشنویه) به دلیل سکونت بیشتر این اقوام در این مناطق مورد بررسی و پرداخته شده است، تاکنون هیچ پژوهش و بررسی در این زمینه از لحاظ علایم شناسی در سطح مناطق این استان صورت نگرفته است. متأسفانه سودجویان عتیقه برای به‌دست آوردن گنج به‌علت حسادت، عدم معلومات و آگاهی‌های لازم در زمینه علایم و سمبل‌ها، آن‌ها را مخفی و یا در بیشتر موارد تخریب می‌کنند و این باعث از بین رفتن فرهنگ تمدن‌های پیشین و ناقص ماندن در پژوهش‌های علمی در این زمینه می‌گردد.

از این‌رو، در این مقاله سعی شده است تا با مطالعه و شناسایی آثار و علایم از طریق مطالعه مواد فرهنگ و کارکردهای باستان شناسی نوین و پرداختن به عوامل موثر تاریخی در پرتو مدارکی چون باورهای قومی مذهبی و آداب و رسوم اقوام پیشین ساکن در منطقه پرداخته شود تا آثار و علایمی که از دست‌ساخته‌های انسان‌ها در طول دوران مختلف بر جای مانده است مفاهیم و معنای واقعی آن‌ها نمایان و درک معنای نهفته آن‌ها پس از شناخت اهمیت و مفهوم خاصی پیدا کند. البته با توجه به نوع و شکل نمادها و علایم که تداعی معانی و دانش نامحدود مضامین و در برگیرنده عقاید، اندیشه‌ها و رموز برای ارتباط بنیادین با محیط اطراف و تقدس بودنش می‌باشد، می‌توان با گردآوری اطلاعات به روش تحقیقات میدانی، تجربیات باستان شناسانه، اسطوره‌ها و تحلیل آنها پی به کاربرد، افکار و مفاهیم نمادها و سمبل‌ها در دوران گذشته پرداخت.

تاریخچه مقدماتی بحث: "نمادها نه فقط جهانی هستند، بلکه در طول اعصار باقی مانده و تا به امروز رسیده‌اند: آن‌ها در خطوط متعارف اندیشه قرون و روایهای نژادی شمول یافته‌اند. نماد، تخیل ما را برمی‌انگیزد و ما رابه اقلیم بی‌کلام اندیشه رهبری می‌کند" (کوپر، ۱۳۷۹: ۲). تحقیق درباره‌ی علایم و سمبل‌های دوره ارامنه و اورارتو از طریق اسناد و تصاویر و نقوش حجاری شده قابل بررسی است که به دلیل ارتباط سریع و آنی با بیننده، قابل تعمیق است. در این مقاله ضمن بررسی علایم و سمبل‌های این دوره، تلاش گردیده است که سیر تحول، کاربرد مفهومی و نیز تفاوت آنها با یکدیگر مشخص گردد.

براساس شواهد باستان شناسی و بررسی بر روی علایم هیچ نشانه و آثاری از ارامنه تا دوره اشکانیان در مناطق آذربایجان غربی علی‌الخصوص شمال غرب آن نبوده است. با انحلال دولت اورارتو و ماد در این منطقه، پس از چند قرن ارامنه از ناحیه شمال غربی فلات ایران وارد آذربایجان شدند. در واقع ارامنه علایم و نمادهایی را که از لحاظ کاربردی با اورارتوها وجه مشترک داشتند، از اورارتوها فرا گرفته بودند، همچنین از آثار و علایم آنها نیز استفاده می‌کردند. تنها در معدود علایمی که زابیده باورهای اساطیری، قومی و مذهبی ارامنه بوده و نیز در نوع صلیب که با توجه به انواع آن بسته به نوع استفاده و کاربردشان و تزیینات با معانی مختلف با اورارتوها متفاوت بوده اند.

اورارتوها نیز با داشتن تمدن عظیم در شمال غرب ایران، شرق ترکیه، مناطق ارمنستان و گرجستان کنونی در اوایل هزاره اول ق.م گسترده شده بودند، خود براساس اندیشه‌ها و تفکرات خلاقانه خویش یک‌سری از علایم را به‌عنوان یادبود، تابلوی اعلانات، سمبل قدرت، نشان و اقتدار ملی و به یادماندنی از تمدن خویش برای نسل و عصرهای بعد برجای گذاشته بودند و در بعضی از نمادها و علایم از اقوام پیشین خود، حوری‌ها و گوتی‌ها نیز از طبیعت الهام گرفته بودند. نظر به اینکه اورارتوها دارای خدایان برگزیده از طبیعت مثل ماه، خورشید بوده‌اند. نمادها و علایم را نیز با توجه به اعتقادات و تفکرات خود از طبیعت الهام می‌گرفتند. در این پژوهش بر آن هستیم که به مطالعه و شناخت شکل سمبل‌های ارامنه و اورارتوها به منظور تجزیه و تحلیل و طبقه بندی بپردازیم ضمن آنکه به بررسی تأثیر نقش و مضمون بر شکل و نماد اورارتویی بر نمادهای ارامنه خواهیم پرداخت و همچنین به دستیابی به نوع ارتباط مفهومی بین علایم و سمبل‌ها و فرم نوع تفکر و اندیشه‌های ارامنه و اورارتوها در شکل‌گیری و کاربرد آنها اشاره می‌کنیم و علل شکل‌گیری علایم و نمادها و شناخت مفهوم علمی و درک معانی پنهان آنها در گذشته با توجه به نوع و کاربردشان را بیان می‌کنیم و درانتها پاسخ می‌دهیم که علایم و سمبل‌های دوره ارامنه و اورارتو دارای

چه اشکال و مضامینی هستند؟ و نقوش و مضمون سمبل‌ها چه تأثیر و ارتباطی بر نوع شکل و فرم علائم و ارتباط بین دو قوم و نیز تأثیر علائم و نمادهای اورارتویی بر علائم آرامنه و تفکرات آنها در گذشته و انتقال به نسل‌های بعدی داشته اند؟ به نظر می‌رسد که بین علائم و سمبل‌های دوره آرامنه و اورارتو با اشکال و مضامین رابطه معنی داری وجود دارد و عقاید و باورهای قومی و مذهبی و اندیشه‌ها در شکل‌گیری نقوش و فرم علائم از اشکال هندسی و الهام گرفته از طبیعت و زاینده تفکرات آنها با توجه به نوع کاربردشان و الهام بخش و تأثیر گذاری نمادهای آرامنه از اورارتو بوده و نیز انتقال آنها به نسل‌های بعدی به عنوان سمبل قدرت، مذهب و دست‌افزار و ... در دوران آرامنه و اورارتو نقش مهمی داشته است.

به منظور انجام این پژوهش، از روش تاریخی استفاده شده است و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه تحقیقات میدانی، کتیبه‌ها، علائم تصویری، اسناد و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. برای این منظور نخست ضمن بررسی مناطق کوهستانی، کلیساها و دشت‌ها، تصاویر مربوطه گردآوری شده و با استفاده از مبانی باستان‌شناسی، تجربیات و کاوش‌های علمی من جمله در ترکیه که تفاوت چندانی با علائم این مناطق ندارند تفسیر شده‌اند.

هر چند که کتاب‌های ترکی استانبولی بیشتر بر محور دلفینه و گنج‌یابی بر اساس تحقیقات و کاوش‌ها صورت گرفته است. در این مقاله، تلاش شده است مفاهیم کاربردی و معنوی علائم در قالب معنای اصلی خویش و بر اساس رویکردهای نوین باستان‌شناسی نه بر پایه یک سری خرافات و عوام، قرار بگیرد.

### ۱. علائم و نمادهای اورارتو

"در طی تاریخ در تمدن‌های مختلف حیواناتی بودند که انسان به‌طور مستقیم در زندگی با آنان سروکار نداشت و در تغذیه، شکار، کار و یا جنگ به‌کار گرفته نمی‌شدند؛ اما به‌دلیل ویژگی‌های فوق‌العاده‌شان و در برخی موارد ترس از قدرت ایشان، مورد ستایش و یا تقلید قرار می‌گرفتند" (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۸۰).

"توتم‌پرستی نمونه کاملی از احترام، علاقه و توجه انسان به طبیعت است تا آن‌جا که انسان، حیوان و یا گیاه (توتم قبیله) را به- عنوان نمادی از طایفه برمی‌گزیند. از این‌رو توتم طایفه‌های مختلف باهم فرق دارد. چنان‌چه، توتم یک نوع از حیوان باشد مانند، کلاغ، شامل تمام کلاغ‌ها می‌شود و نقش آن کنار برخی گورها و یا برخی تابوت‌ها نقش می‌شده و یا به‌صورت پرچم آن طایفه بر روی سپر و یا درفش ایشان منقوش بوده است" (افضل طوسی، همان: ۸۱).

"در اکتشافات باستان‌شناسی تصاویر و اشکال بسیاری از حیوانات و گیاهان به‌دست آمده که در آن مناطق مختلف در اصل به- صورت توتم ابتدائی وجود داشته و بعدها به پرستش آن‌ها منتهی شده است. براساس این آئین، به پاک و ناپاک تقسیم می- شوند. بعضی از قسمت‌های بدن انسان مقدس شمرده می‌شود و برخی کارها و اشیاء حرام است.

در ایران نیز هنوز در میان برخی از اهالی روستا و ساده‌دلان، عقیده ستایش نباتات که در آن‌ها اثر خیالی یا جلوه و نوری تصور کرده و به اصطلاح گذشته توتم خود قرار داده‌اند، وجود دارد و بر شاخه‌های آن دخیل (قطعات پارچه) می‌بندند و از آن درخت حاجت خود را طلب می‌کنند و هرکس آن درخت را قطع کند او را مستحق مرگ یا کیفر غیبی می‌دانند. همچنین درباره حیوانات نیز عده‌ای کشتن کلاغ و جغد را موجب بدبختی می‌شناسند. در آثاری از حفاریات مختلف به‌دست آمده؛ بسیاری از صور حیوانات و نباتات که در ابتدا به‌صورت توتم بوده و کم‌کم مقام خدایی پیدا کرده‌اند، دیده می‌شود. از جمله ستایش گاو، مار و بوزینه نزد هندوان و ستایش اسب، شاهین و بزکوهی نزد ایرانیان از آثار توتمیزم گذشته می‌باشد (دادور، ۱۳۸۸: ۱۵).



شکل ۱: گوردخمه سنگر-بام فرهاد (نگارنده، ۱۳۹۵)

در شمال غرب ایران نیز از تصاویر حک شده بر مصنوعات مکشوفه از دوره اورارتو چنین برمی آید که مذهب این قوم با دین هوریان از یک نوع بوده است، به ویژه تصاویر حیوانات عجیب الخلقه و حیوانات تخیلی، بسیار رواج داشته است. با توجه به کتیبه‌های اورارتویی نام خدایان آن‌ها مانند آفتاب، برگرفته از طبیعت بوده است که از قرن نهم تا هفتم رواج داشته است البته علاوه بر هوریان ادیان دیرین گوتیان، لولوبیان و کاسپیان نیز تا حدودی تاثیر داشته‌اند.

## ۲-۱ اسطوره در اورارتو

"در لغت‌نامه دهخدا واژه اسطوره چنین تعریف شده است: سخن پریشان و بی‌بهره، سخن باطل، افسانه، قصه‌های دروغ، اباطیل و اکاذیب. به تعبیر دکتر زرین کوب «نقشی که حیات دینی اقوام در پیدایش تاریخ و دگرگونی‌های آن دارد غالباً از طرح اسطوره آغاز می‌شود- از اسطوره که به زمان ذهنی تعلق دارد و به دنیای ماورای زمان»" (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

"اسطوره بینشی شهودی است. بینش جوامع ابتدایی و تفسیر آن‌ها از جهان که به گونه‌ی اسطوره‌ای جلوه می‌یافت و هر چند که در ردیف حماسه، افسانه و قصه‌های پریشان قرار می‌گیرد، اما با آن‌ها متفاوت است. اسطوره‌ها به گونه‌ی آیین‌ها و شعایر متبلور می‌شوند. باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره‌ها آغاز می‌گردد و سپس در زمان‌های متأخرتر به گونه‌ی ادیان شکل می‌گیرد؛ بنابراین، اسطوره به یک عبارت، دین و دانش انسان نخستین و داشته‌های معنوی اوست، دانشی که بیشتر جنبه‌ی شهودی و نمادین دارد و از قوانین علمی ادوار بعد به دور است" (دادور، ۱۳۸۸: ۵).

"در تمدن‌های مختلف منابع اسطوره‌ای متفاوت است و می‌تواند شامل سنگ‌نوشته و الواح مانند آن‌چه از اسطوره‌های بین‌النهرین به جا مانده باشد. همچنین ممکن است شامل نیایش، اشعار، نقاشی و تصویر و تندیس‌های معابد و کاخ‌ها باشد. از جمله منابع مورد استفاده در مورد اسطوره‌های ایران شامل ریگ‌ودا، اوستا و شاهنامه فردوسی، تاریخ بلعمی را می‌توان نام برد. کتب آسمانی، نیز می‌تواند در تمدن‌های مختلف از منابع حکایات و اسطوره‌ها باشد" (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

"بنابراین، متولوژی<sup>۱</sup> یا «دانش اساطیرالاولین» اسراری است درباره پیدایش و آفرینش جهان و داستان‌های ایزدان و پهلوانان و نیز نشانه‌هایی ویژه از نژادها و ملت‌ها به شمار می‌رود. به‌طور کلی، رموز و نشانه‌های باستانی هر قوم و ملتی را اسطوره آن قوم و ملت می‌نامند" (دادور، ۱۳۸۸: ۷).

"اسطوره از کهن‌ترین ایام در زندگی انسان وجود داشت و دارای کارکردی اجتماعی بود. مهم‌ترین کارکرد اسطوره به گمان الیاده، عبارت است از «کشف و آفتابی کردن سرشت‌های همه آیین‌ها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی، از تغذیه و زناشویی گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزاندگی»" (دادور، ۱۳۸۸: ۸).

<sup>۱</sup> - Mythology.

"انسان نخستین، به طور طبیعی نیازهای مصنوعی داشته که خود نتیجه هراس اواز مجهولات بوده است. انسان نیاز داشت که طبیعت را بشناسد و رازهای آن را کشف کند. او به یاری اسطوره، معماهای جهان و طبیعت را برای خود به گونه‌ای نمادین و تمثیلی توجیه کرده است. این بیان تمثیلی و نمادین، ساختار اجتماعی قوم را آشکار می‌سازد؛ بنابراین، با تحلیل اسطوره‌ها می‌توان عقاید و ساختار طبقاتی اقوام باستانی را کشف و آفتابی کرد" (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۳).

اورارتو هم مانند بعضی اقوام تحت تاثیر برخی ادیان دوران قبل از خود مانند هوریان، گوتیان و ... بوده‌اند و به همین ترتیب به اقوام محلی و بومی و اقوام دیگر ساکن در آن منطقه تاثیرگذار و انتقال نموده‌اند. به طور کلی علایم و رموز قومی خود را که به-عنوان اسطوره و تمثیلی از سرشت و آیین کهن آن‌ها بوده، بدین طریق عقاید، فرهنگ و تمدن خود را به نسل‌های بعدی و جهانیان انتقال و القا می‌نمایند.

### ۳. علایم و نمادهای آرامنه

"بنا به نوشته موسس خورناتسی (موسی خورنی)، مورخ نامدار سده پنجم میلادی، آبکار، پادشاه ارمنستان، در اوایل سده اول میلادی از حضرت مسیح دعوت کرد که به ارمنستان سفر کند. حضرت مسیح به آبکار پیام داد که یکی از حواریون خود را به "یدیسا"، مقر آبکار، خواهد فرستاد. پس از عروج حضرت مسیح، توماس حواری، تادئوس را که یکی از دوازده حواری حضرت مسیح بوده، نزد آبکار فرستاد، تادئوس در یدیسا به تبلیغ پرداخت و آبکار و تمامی مردم شهر را تعمید داد. پس از درگذشت آبکار، خواهرزاده‌اش، "سانادروک" پادشاه ارمنستان شد. "سانادروک" و دخترش "ساندوخت" ابتدا مسیحی شدند، لیکن پس از اندک زمانی، سانادروک به دین پیشین خود بازگشت و به تادئوس دستور داد برتی مسیحیت تبلیغ نکند. تادئوس از دستور او اطاعت نکرد" (هویان، ۱۳۸۲: ۱۱).

سانادروک دستور قتل طاواوس و دخترش را صادر نمود. طاوس را در محل قراکلیسای فعلی و ساندوخت را در بالای تپه‌ای نزدیک همین کلیسا دفن کرده و بنای کوچکی را برای زیارت و یادمان شجاعت ساندوخت درست نمودند.

"یکی از معتبرترین و پرنقش و نگارترین کلیساهای ارمنیان در ایران که شهرت جهانی دارد کلیسای تاتووس مقدس یا همان قراکلیسا است سراسر دیوارهای جنوبی و شمالی و همچنین برج ناقوس کلیسا دارای حجاری‌های منحصر به فرد است، ظرافت، تناسب، زیبایی و نمادهای به کاربرده شده در نقش برجسته‌های این کلیسا، در نوع خود در جهان مسیحیت بی‌نظیر است، حجاران هنرمندی که با توشه‌ای سرشار از هنر، تجربه و استادی، نقش برجسته‌های این اثر هنری بسیار زیبای مذهبی را به وجود آورده‌اند، دارای چنان ذوق و قریحه‌ای بوده‌اند که توانسته‌اند چنین نقش برجسته‌هایی از خود به یادگار بگذارند و آن را در شمار گنجینه‌های هنر حجاری در این منطقه درآورند و زایران کلیسای تاتووس مقدس را به تحسین وادارند" (هویان، ۱۳۸۲: ۱۹).

این کلیسا که آرامنه به آن "سورپ تاوئی وانک" می‌گویند، اولین کلیسا در آذربایجان بوده و بر روی یک معبد مهرپرستی (آیین پیشین منطقه) بنا شده و مدفن تادهوس مقدس می‌باشد و در فهرست ثبت آثار جهانی قرار دارد.



شکل ۲: قره کلیسا (نگارنده، ۱۳۹۲)

"نماد، در معنای عام: بازنمایی ادبی یا هنری و صنعتی یا وضعیتی با وساطت یک نشانه (مثلاً: شکل جغد، خردمندی را می-نمایاند و صلیب مسیحیت را) در معنای خاص، تأویل بصری از یک موضوع انتزاعی از طریق تبدیل مشخصات پویای آن موضوع به صفات ویژه شکل، رنگ و حرکت است (دادور مبینی، ۱۳۸۸: ۱۰).

با توجه به گوناگونی و فرم شکل سنگ‌نگاره‌ها که هر کدام دارای مضامین خاص خود می‌باشد رموز و معانی ویژه‌ای در آن نهفته است و می‌توان با تفکر و تعمق در آن به کاربرد و مفهوم آنها پی برد، همین اشکال و علائم را می‌توان در شمال غرب ایران به خصوص در دشت‌ها و کلیساهای موجود در آن مناطق مشاهده و بررسی کرد. البته به دلایل فراوانی علائم و سمبل‌ها در این بخش از مقاله تلاش می‌گردد که در اندک شماری از نشانه‌ها مانند انواع «صلیب» و به دلیل شباهت کاربردی و مفهوم آنها با یکدیگر در ارامنه که متفاوت‌تر از نمادهای اورارتویی می‌باشد مورد بحث قرار گرفته و با نماد و علامت هم نوع خود، «قوچ» از لحاظ کاربردی و آیینی در اورارتوها بررسی و مقایسه گردد.

### ۳-۱ بررسی و مقایسه تاثیر نمادهای اورارتو بر ارامنه

کهن‌ترین نشانه و آثار به جامانده از انسان حدود ۵۰-۴۰ هزار سال پیش مربوط به دوران پارینه سنگی می‌باشد. در ایران نیز در همین دوران نقوشی از علائم مثل بزکوهی نر با شاخ‌های کشیده و بزرگ بر دل غارها و کوه‌ها نقش بسته است. دلیل استفاده بیشتر هنرمندان باستان از جانوران و حیوانات در سنگ‌نگاره‌ها ارزش آنها بوده است در عین آنکه منبع غذایی محسوب می‌شد در شکار و حمل و نقل نیز انسان را همراهی می‌کرد علاوه بر این، در حد خدایان پرستش و مقدس شمرده می‌شدند.

"انسان نخستین، به طور طبیعی نیازهای مصنوعی داشته که خود نتیجه هراس او از مجهولات بوده است. انسان نیاز داشت که طبیعت را بشناسد و رازهای آن را کشف کند. او به یاری اسطوره‌ها، معماهای جهان و طبیعت را برای خود به گونه‌ای نمادین و تمثیلی توجیه کرده است. این بیان تمثیلی و نمادین، ساختار اجتماعی قوم را آشکار می‌سازد؛ بنابراین، با تحلیل اسطوره‌ها می‌توان عقاید و ساختار طبقاتی اقوام باستانی را کشف و آفتابی کرد" (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۳).

به دلیل کثرت علائم و عدم مقایسه نمادها بین ارامنه و اورارتو در این قسمت از مقاله تنها به معدود علائمی که تاثیرگذار نماد اورارتویی بر نماد ارامنه بوده است اشاره می‌گردد. ارامنه با توجه به اینکه صلیب به‌عنوان یک نماد تقدس بوده و برای هر مرده و ورودی قبرستان‌ها از آن استفاده می‌کردند باز در بعضی از قبرستان‌های ارامنه وجود قوچ سنگی نیز که نماد قبر و قبرستان و به‌عنوان اسطوره و محافظان مردگان از ارواح خبیثه بوده دیده می‌شود که نشأت گرفته از تاثیر تفکرات و فرهنگ اورارتوها بر ارامنه بوده است. به همین دلیل در این قسمت از مقاله، از میان علائم و سمبل‌های وجه مشترک و مورد استفاده در ادیان دو قوم اورارتو و ارمنی علائم قوچ و صلیب مورد بررسی و تحلیل می‌گردد.

### ۴. صلیب<sup>۱</sup>:

"نقطه اتصال و تلاقی میان سنت مسیحی ناب با جوهر خدانشناسی و کیهان شناخت پیش از مسیحیت، در علامات مسیحیایی گورخانه دخمه‌ای و خاصه در علامات رمزی طغرا ماندی که عبارت از چرخ یا شش یا هشت‌پره است، به‌وضوح دیده می‌شود. می‌دانیم که این علامات و نقوش رمزی که کاربردشان در روزگاران بس کهنی متداول بوده، از حروف یونانی  $\chi$  و  $\rho$  (Chi و Rho) به تنهایی یا ترکیب شده با صلیب، تشکیل یافته است. اگر این علامت درون دایره‌ای نقش شده باشد، شکل چرخ کیهانی واضح است؛ ولی گاه آن علامت فقط به‌صورت صلیبی که در دایره‌ای محاط شده درآمده است. طبیعت خورشیدی این علامت محل تردید نیست" (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۶۳).

"نقشه کلیسا، شکل صلیب را مؤکداً خاطر نشان می‌سازد و این امر نه فقط با مفهوم خاصه مسیحی شکل صلیب مطابقت دارد، بلکه با نقش کیهان شناسی در معماری پیش از دوران مسیحیت نیز تطبیق می‌کند، بدین قرار که، محورهای اصلی به شکل

<sup>۱</sup> - Cross.

صلیب، عنصری میانی یا میانجی و واسطه بین دایرهٔ آسمان و مربع زمین است؛ و در چشم انداز مسیحیت نیز در درجه اول، نقش میانجیگری و شفیع الهی، منظور شده است. (همان: ۶۵).

"در اشکال مختلف چلیپا که همهٔ آنها در نخستین قرون مسیحیت، شکفته‌اند، گاه وجه پرتو افشان خاچ و گاه جنبهٔ ایستان مربع غلبه دارند و این دو عنصر به انحاء مختلف با دایره یا قرص (گرده) ترکیب می‌شوند؛ مثلاً خاچ بیت‌المقدس که پرهایش به صلیب‌های کوچک‌تری ختم می‌گردند، به اعتبار آن که روشنایی مرکز حضرت عزت را در هر جهت منعکس می‌سازد و پرتوافشان می‌کند، یادآور حضور علم‌گیر لطف و رحمت ربانی است و در عین حال، به طرزی سری صلیب را به مربع می‌پیوندد. در هنر سلتی-مسیحی خاچ و چرخ خورشید چنان باهم ترکیب شده‌ند که اتحادشان سرشار از اشارات و نقطه‌های روحانی است" (همان: ۹۷).

مطالب مذکور بیانگر این است که: "اشکالی چون صلیب، مربع و دایره مطابق با سه شکل هندسی بنیانی است: یعنی دایره، تصویر دور (گردش) خورشید، صلیب (متشکل از) محورهای جهات اصلی، مربعی که آن محورها می‌سازد. این سه شکل همان ثلاثه اعظم خاور دور یعنی آسمان، انسان، زمین است و انسان که در این سلسله مراتب بین آسمان و زمین قرار گرفته، در عین حال اصل فاعلی و اصل انفعالی است، همان گونه که صلیب (حاصله از) محورهای جهات اصلی، حدوسط بین دور بی‌نهایت و نامحدود آسمان و «مربع» زمین است (همان: ۲۷).

صلیب بیزانسی: "این صلیب (شکل ۳) کلیسای ارتدوکس یونانی را بیان می‌کند. در حقیقت باغچه کلیسا را نشان می‌دهد. صلیب نشانه قبر و دایره کاسه مانند زیرش، حاکی از مخزن و اتاقک مخفی است. بعضی از صلیب‌ها علاوه بر القاء، مفهوم نمادین و فرهنگ، نمایش اعدادین را نیز گویا هستند" (تونجر، ۲۰۰۴: ۳۴۹).



شکل ۳: صلیب بیزانسی (نگارنده، ۱۳۹۳)

"صلیب کنده‌کاری شده (شکل ۴) در داخل دایره نشان قبر خانوادگی و می‌باشد. در نزدیکی و اطراف آن قبور دسته جمعی را می‌توان گفت: این علامت بیشتر در سکونت‌گاه‌ها و استقرارهای قدیمی ارمنی نشین دیده می‌شود (اونلک، ۲۰۰۸: ۱۸۲-۱۸۱).





شکل ۴: صلیب در دایره (نگارنده، ۱۳۹۲)

"صلیبی که در شکل (۵) مشهود است نشانه مزاری هست که وسایل و سرمال دارد و نباید فریب خورد، وسایل اصلی پیدا نشده بلکه در علامت دومی نهفته است. اگر دومین نشانه را پیدا کنید به هدفتان خواهید رسید در اطراف شکل (علامت) مستقیماً وسایلی است که به سادگی می‌توان پیدا نمود." (همان: ۱۹۴).



شکل ۵: صلیب پرباز (نگارنده، ۱۳۹۳)

"صلیب تزئینی موجود در شکل (۶) مطلقاً در منطقه بیانگر قبرهای کشیک و یا بزرگان طبقه‌بندی شده است و نیز در نزدیکی این صلیب، کلیسایی وجود دارد و تداعی سمبل آن می‌باشد (همان: ۲۱۲).



شکل ۶: صلیب تزئینی (نگارنده، ۱۳۹۳)



**۵. قوچ:**

قوچ به عنوان سمبل جوانمردانگی و قوچ‌های سنگی یکی از بی‌شمار آثار هنری و پیکرتراشی نیاکان ما به حساب می‌آیند و در روزگاران بسیار دور و دراز با دقت و ذوق زیاد تراشیده شده‌اند و نشان از رشد هنرحجاری در این سرزمین باستانی دارد. همچنین قوچ در نظر نیاکان این منطقه سمبل فراوانی، برکت و غلبه بوده و افرادی که پهلوان، قدرتمند و با جرأت بودند لقب قوچ به او می‌دادند و یا به‌همراه نام آنها کلمه‌ی قوچ را می‌آوردند. مثل قوچ کوراوغلو.

"قوچ سمبلی از مردانگی و نربودن و نشانه توانمندی است و بیانگر مزار و گور رهبر یا رییس بزرگ خاندان (طایفه) و بیشتر نزدیک قبور اشخاص مذکر و قدرتمند بوده است" (اونلک، ۲۰۰۸: ۱۲۶).

"قوچ: قوه مردی؛ قوه مولد مذکر؛ انرژی آفریننده؛ نیروی محافظ؛ به همین دلیل همراهی‌اش با ایزدان خورشید و آسمان به مفهوم تجدید انرژی خورشید است. قوچ در منطقه البروج (= جدی) مظهر جدید نیروی شمسی بهار در هر سال است. شاخ‌های پیچیده قوچ نماد تندر است و هم با ایزدانوان ماه در ارتباط است. اساساً قوچ حیوانی مناسب برای قربانی است. مسیحی: مسیح است که رمه را رهبری می‌کند؛ ضمناً چون قوچ به هنگام قربانی جانشین اسحق (= اسماعیل) شد؛ بر قربانی نیز دلالت می‌کند" (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۲۸۲).

"از نظر گله‌داران و جوامع دام‌داری اولیه در فلات ایران قوچ، نماد برتری بر سایر دام‌ها به‌خصوص گوسفند بود مشخصه اصلی قوچ، شاخ‌های حلزونی شکل اوست. قوچ از خدایان مذکر وابسته به باروری و زایش بوده و در اسطوره‌های مصری نماد آمون خدای آفرینش و خنوم خدای خلاقیت است" (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۵۰).



شکل ۷: (نگارنده، حیاط کاخ باغچه جوق ماکو، ۱۳۹۳)

قوچ‌ها عمدتاً رو به شرق و طلوع خورشید داشتند که احتمالاً با کیش مهرپرستی بی‌ارتباط نمی‌باشد. در آخرین روز چهارشنبه-ی هر سال (چهارشنبه سوری) مراسم آیینی در بعضی گورستان‌ها برگزار می‌شد که عمدتاً برای باروری و درمان ماندن از هر بیماری تا سال بعد، سه بار از زیر شکم قوچ رد می‌شدند.

البته استفاده‌ی آرامنه این منطقه از قوچ در گورستان‌ها از اعتقادات آنها تاثیرگذاری اورارتوها نشأت می‌گیرد. در زبان ترکی آذری قوچ نماد قدرت، باروری، محافظت از ارواح پاک مردگان و راندن ارواح خبیثه و شیاطین شمرده می‌شد، به‌همین جهت از آن به‌عنوان یک حیوان مقدس و نمادین در ورودی گورستان‌ها و مزارها استفاده می‌شده است و این امر در داستان‌ها و فولکلور این اقوام مثل؛ قوچاخی نوبی، قوچ کوراوغلو یا قوچ ایگیدو... قابل مشاهده است. با نفوذ آرامنه به شمال غربی فلات ایران و ادغام آنها با بومیان محلی ترک زبان، فرهنگ و اعتقاد آنها بر باورهای آرامنه به دلیل اعتقادات، آداب و رسوم و کاربردشان تأثیر گذار شد.



شکل ۸: قوچ سنگی - نگارنده، در پاسگاه هنگ مرزی چالدران، ۱۳۹

### نتیجه گیری:

مفهوم نمادین (سمبلیک) بینشی است که از تمام تفسیرهای قابل درک فرا می‌گذرد و «صلیب» را به مثل نشانه واقعیتی خاص می‌داند که هنوز ناشناخته و غیر قابل فهم، مرموز و متعالی و بنابراین، قبل از هر چیز روان‌شناختی است، مطلقاً غیرقابل است. بتوان این واقعیت را به وسیله‌ایی جز صلیب نشان داد، درحالی که نماد (سمبل) زنده است و بهترین بیان ممکن از یک واقعیت است پس نماد زنده نیست مگر سرشار از معنی باشد.

با توجه به انواع صلیب‌ها در مناطق آرامنه نشین آذربایجان غربی به‌خصوص در ماکو و چالدران و نیز با توجه به قدمت حک‌علائمی چون صلیب، قوچ و ... در این منطقه و مقایسه تاریخی از بدو سکونت آنها تاکنون، می‌توان به این نتیجه رسید که، آرامنه بعد از انحلال دولت مقتدر اورارتو، در آن منطقه و خروج نیروهای مقدونی، توانست به کمک دولت ایران به این مناطق کوچ کرده و برای مدت طولانی تا سال ۱۹۴۵ م ساکن شوند. البته هم اکنون نیز تعدادی از آرامنه در مرکز استان و حومه‌های آن ساکن هستند. بغیر از صلیب‌ها و چندین علامت انگشت‌شمار، بناهای کلیسا و تعدادی تپه باستانی مربوط به دوره مسیحیت هیچ شواهد و آثاری دال بر سکونت آرامنه در این مناطق نبوده است. صلیب‌ها در بیشتر موارد، با توجه به نوع علامات بازو و پرهایش، نشان قبور و بیانگر جنسیت مرده‌ها، گورهای خانواده‌ای و دسته‌جمعی، اشخاص مهم مثل کشیش یا پاپ و ... و در بعضی موارد هم به‌عنوان کتیبه در بین راه‌ها برای نشان دادن آدرس گورستان‌ها یا کلیساها در کل نماد یک مکان تقدس بوده است. با توجه به اینکه در پیش از اسلام نیز به زندگانی که یعنی زندگی پس از مرگ نیز اعتقاد داشتند به‌همین جهت هدایایی از جمله اشیای زینتی، اموال شخصی، سکه و نیز خوراکی بسته به ثروتمند یا فقیر بودن فرد به‌همراه مردگان خود دفن می‌کردند تا پس از زنده شدن از آنها دوباره استفاده نماید به این دلیل در مواقعی، از حفاری مجاز یا غیرمجاز از بعضی قبور اشیای تاریخی کشف و پیدا می‌شود. چنانکه فرد فقیر باشد به‌جای اشیای باارزش حداقل کوزه یا شیشه آب و کوزه خوراکی به‌همراه وی دفن می‌کردند. در آرامنه رسم بر این بود که بر روی سنگ قبر هر مرده یک صلیب با علائم و اشکال تزئینی بسته به نوع شغل فرد آن نفر می‌کردند و این دال بر وجود گنج و اشیای با ارزش در آن قبر نمی‌شود.

با اینکه صلیب‌ها نماد قبور، دفن مردگان و بناهای زیارتی می‌باشند ولی با این همه قوچ نیز در چنین مکان‌هایی مثل قبرستان‌ها حتی در دوره آرامنه نیز مشهود است. چه دلیلی دارد که آرامنه بر صلیب از قوچ نیز برای نشان دادن قبور و مکان‌های مقدس استفاده کنند؟ باید گفت که استفاده از قوچ در گورستان‌ها توسط این قوم به دلیل تلقین و تأثیرگذاری باورهای قومی و اساطیری اقوام بومی پیشین ترک زبان ساکن در آن منطقه و اورارتوها بوده است. چرا که در نظر آنها نیز قوچ به‌عنوان نماد مردانگی، قدرت، محافظ ارواح پاک مردگان و راندن ارواح خبیثه و شیاطین بوده است.

### منابع و مأخذ:

۱. اسماعیل پور، ابوالقاسم، (۱۳۷۷) *اسطوره و بیان نمادین*، تهران: انتشارات سروش.
۲. افضل طوسی، عفت‌السادات، (۱۳۹۳) *طبیعت در هنر باستان*، تهران: نشر مرکب سپید.
۳. بورکهارت، تیتوس، (۱۳۷۶) *هنر مقدس (اصول و روش‌ها)*، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: سروش (صداوسیما).
۴. پیوتروفسکی، بوریس (۱۹۶۰) *تمدن اورارتو*، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: میراث فرهنگی.
۵. دادور، ابوالقاسم، مهتاب مبینی (۱۳۸۸) *جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان*، تهران: دانشگاه الزهراء (س). به نقل از اسماعیل پور، (۱۳۷۷)، *اسطوره و بیان نمادین*.
۶. قربانی، حافظ (۱۳۵۰) *منوگرافی شهر ماکو*، پایان‌نامه برای اخذ درجه لیسانس، رشته علوم تجربی، دکتر غلامحسین صدیقی، تهران: چاپ محلی. به نقل از جواد مشکوری، تاریخ آذربایجان.
۷. کوپر، جی سی (۱۳۷۹) *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد.
۸. محمدزاده، رضا (۱۳۸۵) *علایم، نشانه‌ها و سمبل‌های دوره آرامنه و اورارتو*، چاپ نشده.
۹. هویان، آندرانیک، (۱۳۸۲) *کلیساهای ارمنیان ایران*، میراث فرهنگی: اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی.

10. Hole, 2009, *Dafine Isharatlarin Alfbasi*, Stanbul: Nokta Teknoloji co.

11. Kulag, Ugur, 2004, *SHaratlarin Srri, Volum.2 (2.Baski),Publication.2*,Yayn2, Stanbul: Ugur Elektronik co.

12. Nokta, 2003, *Dafinanin Ayak Izlari, Volum.2(2.Baski, Stanbul: Makro Grup co.*

13. Onlak, Mohamad, 2008, *Altn koz(Nshanalar & Sambullar)*, Stanbul: Nokta Teknoloji.

## Signs, Symbols and Target of Armenians & Urartu in West Azarbaigan

Ali Binandeh<sup>1</sup>, Reza Mohammadzadeh<sup>2</sup>

*1- Assistant Professor, Bu-Ali Sina University, Hamedan*

*2- Assistant Professor of Archeology, Marlik University of Noshahr Mazandaran*

---

### Abstract

In this article concepts symbols in ancient art and then the impact of the symbols and symbols and Urartu Armenian expressed. Analytical method - comparative field study and library and, if necessary, for this purpose, pictures on the rocks, stones, artifacts and objects related to the province of collecting and reviewing the application of concepts and their impact on other days Stated Art, Symbol is a symbol and more as a memorial, stands next evening was a national Power slang and symbols to sign a contract which is not much different, but in terms of scientific concepts and their application to differ. Some symbols such as the sun, and ram the Urartu period as guardians of temples and even the face of the gods in the ancient world were considered. Some of the signs and symbols like the cross of Armenians as a factor in the emergence of this period show the graves, decorative motifs and the icon was a sacred place. Thesis shows what is certain signs and symbols of the ethnic groups and ethnic representation of mythological beliefs, customs, and the effect of religious symbols and sign of Urartu, transfer, maintain the cultural symbols of Armenians according to application needs.

**Keywords:** Symbol, symbols, Armenians, Urartu, anckent.

---